

## ترامپیسیم: خطر واقعی دونالد ترامپ

اریک درایتسر ترجمه: سامان

از همان لحظات اولی که ترامپ به ریاست جمهوری انتخاب شد، وحشت بزرگی داشتم. وحشتی که هیچکس در رسانه‌های وابسته چیزی راجع به آن نمی‌نویسد. چرا که از لحاظ رتبه بندی آن بسیار بد است. وحشتی است که در رسانه‌های رقیب و بدیل تاکنون بسیار کم درباره آن توضیح داده شده، و یا حتی مورد نظر قرار می‌گیرد. و آن خطری است که آینده ما را تعقیب و تهدید می‌کند.

من از آن می‌ترسم که ایالات متحده به باتلاق ایدئولوژیک فاشیسم سقوط کند. لزوماً نه با گام‌های غازوار نازی‌ها و اتاق‌های گاز که نشان فاشیسم هستند، بلکه چیزی مشابه آن، انحصار آمریکا و همزمان بی‌تردید فاشیستی. کیک سیب مزین به لایه‌ای سیانور، درست همانطور که مادر بزرگ عادت به درست کردن و آرایش آن داشت.

در حال حاضر می‌توانم ناله‌های برخی رفقای چپ خود پیرامون هراس افکنی، بی‌پروایی در اظهار یک برتری طلبی سفید، پدر سالارانه، پروژه امپریالیست استعماری مهاجر نشین چون ایالات متحده، ساخته شده بر پایه برده‌داری، خلع ید، و قتل عام آن‌گونه که بود، و احتمال دارد با شتاب بیشتر به سوی ابلیس بلغزد را بشنوم. اما این حقیقت دارد.

به قول بیزارو رونالد ریگان: «روزهای بدتری برای آمریکا در پیش است. شما هنوز هیچ چیز را ندیده‌اید».

اما چرا می‌گویم هیچ‌کس در رسانه‌های شرکتی، همه رسانه‌های سنتی و اجتماعی نمی‌خواهد هنگامی که هر روزه برابر چشم ماست بیان نماید که ترامپ یک فاشیست است. چگونه ممکن است بتوانم اظهار کنم که هیچ‌کس در آمریکا تهدید فاشیسم را به هنگامی که مرکب زیادی برای فریب خوردگان ترامپ اختصاص یافته، و بسیاری از جنبه‌های فاشیسم کلاسیک را در آغوش گرفته‌اند، مطرح نمی‌کند.

پاسخ ساده‌تر است، ترامپ تهدید فاشیستی نیست، ترامپیسم هست.

دونالد ترامپ هم به مثابه رئیس جمهور و هم بنی بشر، بدوا به خود دونالد ترامپ ربط پیدا می‌کند. تا آنجا و به حدی که دارای ایدئولوژی است، یکی از موفقیت‌های فردی و توهمات نارسبستی وحشیانه است. لوآتسام فکر می‌کرد که این کرم انگل شاید، به عنوان فرد فراتر از دامنه وسیع شاخه‌های سیاسی‌اش (انکار شرایط اقلیمی، کاربرد قوانین نژادپرستانه مهاجرتی، و غیره) تهدیدی را نمایندگی نمی‌کرد. و این تنها نگرانی بود، در آن صورت همه ما می‌توانستیم به سیاست‌های برنامه ریزی شده معمول امپریالیسم نئولیبرال شرکتی بازگردیم.

به هر حال آنچه ترامپ انجام داده است توامان جمع آوری و ایجاد آرایه‌ای از راست افراطی، نیروهای سیاسی ارتجاعی خشمگین و دستیابی به سازماندهی می‌باشد. و هرگاه ترامپ

صحنه سیاسی را ترک کند برای آن نیروها چه اتفاقی می‌افتد؟ آیا آنها در فضای اتری تحلیل خواهند رفت، سیاست‌های فاشیستی خود را هم مانند پرچم‌های گادسدن، سنجاق‌های Blue Lives Matter و مدال روی سینه پلیس‌ها و برچسب‌های مجموعه مجازات خود را در صندوقی کهنه توی اتاق زیر شیروانی جمع‌آوری و پنهان خواهند کرد؟

نه، در عوض آنها به دنبال رهبر بعدی خواهند رفت. عوام فریب و هوچی بعدی بر عکس ترامپ، خوش سلیقه، فتوژنیک، شیک و یک ایدئولوگ خوش بیان خواهد بود. او الساعه در جایی، ناظر تکامل سیاسی این جنبش نوظهور بوده، و فقط به آن فکر می‌کند که چقدر می‌تواند با گفتن نکات درست و تصویر خانوادگی کاملی کار خود را به انجام برساند.

او آنجاست. مشغول صرف اوقات خود است. در انتظار نوبتی است که حس می‌کند، با توجیحات زیادی، اجتناب‌ناپذیر و قریب‌الوقوع است.

## از فرقه شخصیت به کلیسای اعظم

آنچه که یک هوادار سیاسی معمولی را از یک مومن فرقه‌گرا متفاوت می‌سازد اعتقاد است؛ مومن بدون پرسش باور دارد که حقیقت تنها چیزی است که رهبر عزیز و محترم را تقویت، حمایت یا دلپذیر می‌نماید. مادام که سیاست‌مداران پایگاه‌ها، کمپین‌های مبارزاتی و شبکه‌هایی از هواداران را می‌سازند، رهبران فرقه‌گرای مذهبی لشگری از بنیادگرایان را تدارک می‌بینند که رفاه خود را برای خیر رهبر عزیز قربانی می‌کنند.

و روشن است که ترامپ‌یسم در مقایسه با فرقه شخصیت خیلی یک ایدئولوژی نیست. و توامان به روش‌های گوناگون هم موقعیت‌های سیاسی و هم اصول ایدئولوژیک را شامل می‌شود- ناسیونالیسم افراطی، انحصار نژادی، نفرت از مسلمانان، دفاع از حقوق سفیدپوستان و غیره- اما از طریق قدرت کلام، ترامپ به نیرویی تبدیل می‌شود. و هم‌چنان که ممکن است پوچ و شگفت‌انگیز به نظر برسد، آن کلمات بار سنگین و عظیمی را با خود حمل می‌کنند.

بر اساس نظر سنجی رد گیری میدان نبرد خبرگزاری CBS از بین مردمی که خود را قویا حامی ترامپ معرفی می‌کنند، ۹۱٪ اطمینان دارند که وی اطلاعات دقیقی به آنها بدهد - واقعا ۹۱٪! دوستان و خانواده در وهله دوم به ۶۵ درصد قانع شدند. بگذار لحظه‌ای در این اعداد و ارقام غور کنیم. بیش از ۹ نفر از هر ۱۰ نفر طرفداران ظاهرا پیشین ترامپ، به هر چیزی که از دهان او بیرون می‌آید باور دارند. این چیزی را در باره ترامپ و قدرتش بیان می‌دارد. اما شاید حتی ترسناک‌تر آن چیزی باشد که در باره ترامپ‌یسم به ما می‌گوید. کشیش اعظم دونالد ترامپ تقدس برجسته خود را چنین بیان می‌دارد: «فقط به خاطر داشته باشید که آنچه می‌بینید و آنچه می‌خوانید، همان چیزی نیست که اتفاق می‌افتد».

موسولینی میان‌دار شهر، برای پیروانش استاد واقعیت است، قاضی هرچه هست و نیست، واقعیت، حقیقت، و حق.

هنگامی که ترامپ از صحنه سیاسی به پائین بلغزد چه اتفاقی می‌افتد؟ زیاد دشوار نیست پیش‌بینی کرد که ائتلاف نیمه منسجمی که پشت سر خود باقی می‌گذارد بخواهند پشت سر نماینده دیگری از ترس‌ها، بی‌اعتمادی‌ها و نفرت‌هایشان متحد شوند. و اگر آن فرد بداند که چگونه به سبک ترامپ هوچی و عوام‌فریب باشد، در آن صورت یک جنبش فاشیستی متولد شده است.

### نقاشی یک تصویر وحشتناک

علیرغم رسوایی‌های بی‌شمار، وزوز دموکرات‌ها و لیبرال‌ها پیرامون خیانت و سایر جرائم بزرگ، و جریان ثابت اعلامیه‌های سقوط ترامپ، پایه عنکبوت نارنجی Orange Beast در واقع رشد کرده است.

طبق آمار اخیر گالوپ رتبه تاییدی «حزب خود» ترامپ - حمایت از او در میان رای دهندگان جمهوریخواه - دومین رتبه بالای هر ریاست جمهوری پس از جنگ دوم جهانی تاکنون است. البته بعد از جرج دبلیو بوش که در پی حادثه ۱۱ سپتامبر حمایت مصنوعی عظیمی را از طرف مردم داشت. علاوه بر این به نظر می‌رسد که رای دهندگان به ترامپ از سال ۲۰۱۶ علیرغم همه خیانت‌ها و انحرافات تکان دهنده، در پشتیبانی از او ثابت قدم ماندند. این بیشتر مربوط به روانشناسی ترامپیست‌ها است تا هرچه که خود ترامپ انجام داده است.

بنابر این اجازه دهید ببینیم که بعدا چه پیش می‌آید...

ترامپ چنان انزجاری را از طرف دموکرات‌ها و سایرین دامن می‌زند که انتخابات ۲۰۲۰ شکستی را برای ترامپ به نفع نامزدی پیشرو چون بابی سندرز، یا تئولیرال میانه‌ای مثل کامالا هریس یا هیلاری کلینتون نشان می‌دهد. از دیدگاه ترامپیست‌ها تقریباً مهم نیست که این کاندیدا هر کسی که در سمت چپ چنگیز خان یک کمونیست دوست داشتنی مسلمان قرار می‌گیرد باشد. پایه ترامپ عصبی می‌شود، احتمالاً نشان می‌دهد که دولت ژرف کمر به نابودی ترامپ و ربودن انتخابات از او به منظور واگذاری قدرت به دست جناح چپ، کمونیست، مسلمان دوست، در آغوش گیرنده مهاجر، بسته است که به همه دختران جوان فشار خواهد آورد تا سقط جنین کنند و همه پسران هم از ضمایر غیر خاص جنسی استفاده نموده و با عروسک‌ها بازی کنند.

آنچه اتفاق می‌افتد رشد شدید در جناح راست افراطی، و گروه‌های فاشیست شبه نظامی است. و در حالی که رشد آن جنبش در دوره اوباما متوقف شد (به دلایلی که تصور آنها مشکل نیستند)، پس از دوره ترامپ به طور نمادین این رشد چند برابر می‌شود، بالاخص که روایت فوق‌العاده آن خواهد بود که ترامپ برای آمریکا یک جنگجوی صلیبی بود که در هر نوبت توسط لیبرال‌ها، سی‌ان‌ان، آنتیفا و همه عناصر نامطلوب دیگر که خواهان نابودی آمریکا هستند مسدود و متوقف شد. ترامپ قهرمان ما بود، که توسط خدا فرستاده شد تا این کشور را پاک و منزه کند، ولی در عوض بخاطر روسیه، ستارگان پورنوگرافی و اخبار جعلی به صلیب کشیده شد.

حال اعداد و ارقام را بررسی کنیم، و ببینیم رادیکالیزه شدن می‌تواند چه شکلی بخود بگیرد. در انتخابات ۲۰۱۶، دونالد ترامپ تقریباً ۶۳ میلیون رای بدست آورد هنگامی که حامیان سابقش او را رها کردند، عده‌ای از جمهوریخواهان که ابتدا به ترامپ تردید داشتند، به ترامپیست‌های سرسخت تبدیل شدند، از آنجایی که استخراج دقیق تعداد ترامپیست‌های سرسخت مشکل است، با احتیاط می‌توانیم بگوییم تقریباً ۷۵-۵۰ میلیون نفر آمریکایی در این کاتاگوری می‌گنجد.

حال، در نظر بگیرید که اگر حتی یک دهم از ترامپیست‌ها تا حد مشارکت در اشکال فعالیت غیر انتخاباتی non-electral رادیکالیزه شده باشند. این بدان معناست که ۵ تا ۷,۵ میلیون آمریکایی به گروه‌های شبه نظامی یا میلیشیا می‌پیوندند (یعنی ۳ درصد، نگهبانان سوگند خورده)، باندهای فاشیستی مانند پسران افتخار، و سایر تشکل‌های راست افراطی. چنین ارقامی بدواً سیاست ملی و محلی ما را تغییر شکل داده، اولین بلوک واقعی فاشیستی را در تاریخ مدرن ایالات متحده به وجود می‌آورند.

در نتیجه راهپیمایی شارلوتسویل در آگوست ۲۰۱۷ توسط سفید پوستان نژاد پرست، که منجر به مرگ هیتر هیر شد، طبق نظرسنجی واشینگتن پست / ABC News ۹ درصد آمریکایی‌ها (تقریباً ۲۲ میلیون نفر) بر این باور داشتند که قابل پذیرش بود تا دیدگاه‌های تئونازی‌ها یا سفید پوستان نژاد پرست را هم مدنظر داشت. در نظر داشته باشید که این دیدگاه‌ها هم جنان که قطار ترامپ از یک آتشدان به دیگری چنگ می‌انداخت بیشتر تثبیت شدند.

به عبارت دیگر، در حال حاضر میلیون‌ها میلیون نفر آمریکایی نوعی از سیاست‌های فاشیستی را به عنوان هدایت‌گر جهان بینی خود پذیرفته‌اند. که تنها می‌تواند توسط یک رئیس‌جمهور پیشرو که به دنبال پیروزی است بیشتر رادیکالیزه شده و بیش از آنچه که ترامپ انجام داده است الغاء نماید. و این رادیکالیزه شدن تشکل‌های بیشتری را تقویت می‌کند. زیرا فاشیست‌ها این دروغ را نمی‌پذیرند. آنها به سازماندهی در هر گوشه کشور را ادامه خواهند داد. و با شماری میلیونی، چنین جنبش فاشیستی تنها نیاز به یک مرد دارد که آنها را فعال و مسلح نماید.

و این مرد دارد می‌آید. ما هنوز فقط او را ندیده‌ایم.

سامان

اوت ۲۰۱۸ هلند

